

بررسی چندوچون مصدرهای عامیانه فارسی در فرهنگ معین

پریسا شکوهی^۱

دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد فسا)
شیراز، ایران

(تاریخ دریافت: ۲۷ بهمن ۱۳۹۵؛ تاریخ پذیرش: ۳۰ فروردین ۱۳۹۶)

محمد معین از زحمت‌کش‌ترین و متعهدترین ادیبان معاصر ما به شمار می‌آید که در فرهنگ شش جلدی خود با رعایت اصول علمی و پژوهشی و با شیوه‌ای متفاوت به نسبت همه فرهنگ‌های پیش از خود، بخش قابل توجهی از واژگان و اصطلاحات و اعلام را ثبت و ضبط کرد. این مقاله در پی بحث درباره چندوچون مصدرها (افعال) عامیانه‌ای است که در فرهنگ معین ثبت شده‌اند. در همه پژوهش‌هایی که به حوزه ادبیات و زبان عامیانه وابسته است مهم‌ترین مانع، ملاک تشخیص «عامیانه‌بودن» است. در این مقاله، نگارندگان ملاک را تشخیص خود مرحوم معین که بی‌تردید از صاحب‌نظرترین افراد در این شاخه بود، گذاشتند؛ به عبارتی دیگر، هر مصدری که مرحوم معین در برابر آن نشانه کوتاه‌شده «عم» را گذاشته بود، استخراج کردیم و در مرحله بعد براساس منابع دستوری آن‌ها را به هشت دسته تقسیم نمودیم. در پایان، مصادیق هر دسته در قالب جدول‌هایی ارائه شده‌اند.

واژگان کلیدی: مصدرهای عامیانه، فرهنگ معین، دستور زبان فارسی.

^۱E-mail: parisa.shekoohi@yahoo.com

مقدمه

بخش عظیمی از دستاوردهای علمی و ادبی و فرهنگی ما در دل حوزه‌ای خوابیده است که بدان «فرهنگ توده» یا «فرهنگ عوام» می‌گویند. «فرهنگ عوام در زبان فارسی معادل کلمهٔ بین‌المللی 'فولکلور'^۱ گرفته شده است.» (محبوب ۱۳۸۷، ۳۵) زبان عامیانه یا زبان عوام یا گفتار محلی^۲ در برابر زبان معیار مطرح می‌شود (سارلی ۱۳۸۷، ۳۸). متأسفانه بیشتر ادیبان و شاعران و نویسندگان کلاسیک فارسی‌زبان تا چند دههٔ پیش، از ورود بدین حوزه پرهیز می‌کردند و بدین سبب، وزن کفهٔ ادب و زبان خواص ما بسیار سنگین‌تر از کفهٔ تنک‌مایهٔ زبان و ادب عامه است. در نظر بیشتر شاعران و نویسندگان پیشین «... صورت‌های گفتاری شکل تحریف‌یافتهٔ صورت‌های نوشتاری به‌شمار می‌رفتند که اهل زبان در زندگی عادی روزمره از روی عجله، سهل‌انگاری، بی‌دقتی، بی‌اطلاعی و مانند آن به‌کار می‌بردند...» (باطنی ۱۳۸۵، ۵۳) بدین سبب چنین زبانی چندان قابل‌اعتنا نبوده است. با پیشرفت دانش‌های مختلف و پرورش اندیشمندان نواندیش، این اندیشهٔ نسنجیده از بین رفت و کسانی چون جمال‌زاده، دهخدا، هدایت، معین، شاملو و... پای در این میدان نهادند و نه‌تنها خود از به‌کاربردن و ثبت و ضبط آن‌ها نهراسیدند بلکه دیگرانی چون استاد فقید دکتر محبوب را نیز ترغیب کردند که در این حوزه دست به پژوهش زنند. در میان این پژوهشگران، دهخدا افزون بر اینکه در «امثال و حکم» خود بدین موضوع عنایت ویژه‌ای نشان داد، در فرهنگ خود نیز بخشی از واژه‌ها و ضرب‌المثل‌ها را ثبت کرد و مرحوم معین نیز همراه با به‌کار بستن شیوه‌های نوین در فرهنگ‌نویسی، از طرز مرحوم دهخدا پیروی کرد. در این جستار برای بیان سهم مرحوم معین در این حوزه، فقط بخش کوچکی از تلاش‌های وی را در ثبت و ضبط مصدرهای عامیانه پی می‌گیریم.

بررسی مصدرهای عامیانه

فرهنگ معین بعد از یک مقدمهٔ سودمند، از سه بخش مجزای الف، لغات؛ ب. ترکیبات خارجی؛ ج. اعلام تشکیل شده است. حوزهٔ این پژوهش بخش نخست این فرهنگ است. نکته‌های زیر دربارهٔ کار این مقاله شایان یاد است:

الف. معین چندبار دربارهٔ محتویات فرهنگ خود سخن گفته است از جمله در مقدمهٔ این فرهنگ، در زیر عنوان «روش ما» به حوزهٔ واژه‌های عامیانه چنین اشاره کرده است: «مواد: شامل تعدادی معتنی به از لغات و اصطلاحات فارسی و عربی و... و همچنین لغات غیرفصیح و متداول و عامیانه در این کتاب درج شد.» (معین ۱۳۶۳، ۴۹) همچنین در صفحهٔ هفتاد و شش در ذیل عنوان «فواید» این مطلب تکرار شده است. البته در این زمینه آماری ارائه نفرموده و دربارهٔ شیوهٔ انتخاب و تشخیص عامیانه‌بودن واژه‌ها هم سخنی به‌میان نیاورده است.

¹ Folklore

² Folk Speech

ب. در چنین پژوهش‌هایی یکی از مشکلات اصلی که سر راه پژوهشگر کمین می‌کند معیار تشخیص عامیانه بودن است. معین به این معیار اشاره‌ای نفرموده است. اما در بخش واژگان که توضیحاتی به صورت اختصاری در برابر هر واژه، درباره تبار و ساده و مرکب بودن و... افزوده‌اند، در برابر تعدادی از واژگان که شمار آن‌ها نیز چندان زیاد نیست، نشانه «عم» گذاشته‌اند که در جدول کوتاه‌نوشت‌های این فرهنگ به معنی عامیانه است. ملاک کار نگارندگان نیز در این مقاله، بر همین اساس قرار گرفته است. چه بسا مصدرهایی در این فرهنگ عامیانه تلقی شده باشد و برخی آن را فصیح بدانند و برعکس برخی از مصدرهایی را که مَهر عامیانه بر چهره آن‌ها نخورده باشد، دیگران عامیانه تصور کنند؛ در هر حال ملاک ما همچنان که اشاره شد، تشخیص خود استاد بوده است.

ج. درباره شیوه جمع‌آوری و دسته‌بندی مطالب، شایان یاد است که بخش اول فرهنگ معین یعنی از جلد اول تا نیمه جلد سوم، که بخش لغات است، مطالعه شد و از همه مصدرهایی که به تشخیص مرحوم استاد عامیانه قلمداد شده بودند، یادداشت‌برداری شد. پس از آن، یادداشت را براساس طرح تقسیم‌بندی مصدرها در کتاب «دستور زبان فارسی» انوری و گیوی (۱۳۶۷)، در هشت بخش به ترتیب زیر ارائه نمودیم:

۱. مصدرهایی که به پسوند «دن» ختم می‌شوند؛
۲. مصدرهایی که به پسوند «ستن» ختم می‌شوند؛
۳. مصدرهایی که به پسوند «شتن» ختم می‌شوند؛
۴. مصدرهایی که به پسوند «فتن» ختم می‌شوند؛
۵. مصدرهایی که به پسوند «یدن» ختم می‌شوند؛
۶. مصدرهایی که به پسوند «ودن» ختم می‌شوند؛
۷. مصدرهایی که به پسوند «ختن» ختم می‌شوند؛
۸. مصدرهایی که به پسوند «ادن» ختم می‌شوند.

در زیر جدول‌های مصدرهای عامیانه‌ای که در فرهنگ معین ثبت شده، تک تک ارائه گردیده است.

جدول ۱. مصدرهای عامیانه‌ای که با «دن» پایان می‌یابند.

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	?oxt ?āmadan	اخت آمدن	۱.
	?oxt šodan	اخت شدن	۲.
	?extelāt kardan	اختلاط کردن	۳.
	?ax o pof kardan	اخوپف کردن	۴.
	?adxal zadan	ادخل زدن	۵.
	?edrār kardan	ادرار کردن	۶.

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	?ordang kardan	اردنگ کردن	.۷
	?ordangi kardan	اردنگی کردن	.۸
	?owrāq kardan	اوراق کردن	.۹
	?uf šodan	اوف شدن	.۱۰
	?āb sāb kardan	آب ساب کردن	.۱۱
	?āb kardan	آب کردن	.۱۲
	?āb kešidan	آب کشیدن	.۱۳
	?āb lambu šodan	آب لمبوشدن	.۱۴
	?āb lambu kardan	آب لمبو کردن	.۱۵
	?āb lanbu šodan	آب لنبوشدن	.۱۶
	?āb lanbu kardan	آب لنبو کردن	.۱۷
	?āb lanbe šodan	آب لنبه شدن	.۱۸
	bāmb zadan	بامب زدن	.۱۹
	bām zadan	بام زدن	.۲۰
	boq kardan	بق کردن	.۲۱
	boq kardan	بق کردن	.۲۲
	begu nagu kardan	بگونگو کردن	.۲۳
	boland o kutāh kardan	بلند و کوتاه کردن	.۲۴
	bendāz kardan	بنداز کردن	.۲۵
	bejā ?āvardan	به جا آوردن	.۲۶
	pātil šodan	پاتیل شدن	.۲۷
	pejordan	پجردن	.۲۸
	peč peč kardan	پچ پچ کردن	.۲۹
	pex pex kardan	پخ پخ کردن	.۳۰
	parāndan	پراندن	.۳۱
	Pežordan	پژردن	.۳۲
	pas šāšidan	پس شاشیدن	.۳۳
	pakar šodan	پکر شدن	.۳۴

۳۱ Studying the quality of colloquial infinitives... بررسی چندوچون مصدرهای عامیانه...

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	pok zadan	پک‌زدن	۳۵
پناهِیدن	panāi:de zadan	پناییده‌زدن	۳۶
	panjul zadan	پنجول‌زدن	۳۷
	pul pul šodan	پول‌پول‌شدن	۳۸
	pey juy šodan	پی‌جو(ی)شدن	۳۹
	pey jur šodan	پی‌جورشدن	۴۰
	pey juri kardan	پی‌جوری‌کردن	۴۱
	tā šodan	تاشدن	۴۲
	tā kardan	تا‌کردن	۴۳
	topoq zadan	تیق‌زدن	۴۴
	taxt šodan	تخت‌شدن	۴۵
	taxt kardan	تخت‌کردن	۴۶
	tupp o tašar zadan	توپ‌و‌تشرزدن	۴۷
	tiyāle zadan	تیاله‌زدن	۴۸
	seq̄l kardan	ثقل‌کردن	۴۹
	ǰāde kubidan	جاده‌کوبیدن	۵۰
	ǰer ?āmadan	جرآمدن	۵۱
	ǰer xordan	جرخوردن	۵۲
	ǰer dādan	جردادن	۵۳
	ǰer zadan	جرزدن	۵۴
	ǰuš xordan	جوش‌خوردن	۵۵
	ǰir o vir kardan	جیر و ویر‌کردن	۵۶
	čak o čāne zadan	چک‌و‌چانه‌زدن	۵۷
	čubkāri kardan	چوب‌کاری‌کردن	۵۸
	hāli kardan	حالی‌کردن	۵۹
	harām xordan	حرام‌شدن	۶۰
	hers xordan	حرص‌خوردن	۶۱
	xošk zadan	خشک‌زدن	۶۲
	xis kardan	خیس‌کردن	۶۳

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	xit šodan	خیطشدن	۶۴
	dar be dar ?āvardan	دربه در آوردن	۶۵
	darz kardan	درز کردن	۶۶
	daryāzidan	دریازیدن	۶۷
	dašt kardan	دشت کردن	۶۸
	dom dar ?āvardan	دم در آوردن	۶۹
	did zadan	دید زدن	۷۰
	zoq zoq kadan	ذق ذق کردن	۷۱
	zoq zadan	ذق زدن	۷۲
	rāhat kardan	راحت کردن	۷۳
	rezā šodan	رضاشدن	۷۴
	rag kardan	رگ کردن	۷۵
	ru dādan	رودادن	۷۶
	rise šodan	ریسه شدن	۷۷
	zadan	زدن	۷۸
کارهای تجاری مختلف کردن	zad o xord kardan	زد و خورد کردن	۷۹
زدوبند کردن	zad o xord kardan	زد و خورد کردن	۸۰
	zade šodan	زده شدن	۸۱
	zūr tapān kardan	زور تپان کردن	۸۲
	zur zadan	زور زدن	۸۳
	zū ka(e)šidan	زوکشیدن	۸۴
	zeh zadan	زه زدن	۸۵
	zeh kešidan	زه کشیدن	۸۶
	zi zadan	زی زدن	۸۷
	sabok sangin kardan	سبک سنگین کردن	۸۸
	sepelešk	سپلشک آوردن	۸۹
	sar boridan	سر بریدن	۹۰
	sor خوردن	سر خوردن	۹۱
سر از چیزی در آوردن: از آن	sar dar ?āvardan	سر در آوردن	۹۲

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
آگاه‌شدن			
از حرف‌های کسی سردرآوردن: ها را فهمیدن	sar dar ?āvardan	سردرآوردن	.۹۳
	sar davāndan	سردواندن (دوانیدن)	.۹۴
	sar šāx šodan	سرشاخ‌شدن	.۹۵
	saršekan kardan	سرشکن کردن	.۹۶
	sar kardan	سرکردن	.۹۷
	sarak kešidan	سرک کشیدن	.۹۸
	sar o kale zadan	سروکله‌زدن	.۹۹
	sare-yakī-kardan	سریکی کردن	.۱۰۰
	sofre kardan	سفره کردن	.۱۰۱
	saq zadan	سق‌زدن	.۱۰۲
	seke šodan	سکه‌شدن	.۱۰۳
	sag xor šodan	سگ‌خورشدن	.۱۰۴
	sag dow zadan	سگ‌دوزدن	.۱۰۵
	somāq mekidan	سماق‌مکیدن	.۱۰۶
	sambal kardan	سمبل کردن	.۱۰۷
	sangini kardan	سنگینی کردن	.۱۰۸
پرت کردن، محو کردن	sut kardan	سوت کردن	.۱۰۹
	suxt šodan	سوخت‌شدن	.۱۱۰
	sur zadan	سورزدن	.۱۱۱
	suz ?āmadan	سوزآمدن	.۱۱۲
	suse davāndan	سوسه‌دواندن	.۱۱۳
	six zadan	سیخ‌زدن	.۱۱۴
	sim kešidan	سیم کشیدن	.۱۱۵
	šāx dar ?āvardan	شاخ‌درآوردن	.۱۱۶
	šārt o šūrt kardan	شارت‌وشورت کردن	.۱۱۷
	šapalāqi kardan	شپلاقی کردن	.۱۱۸
	šotore zadan	شتره‌زدن	.۱۱۹

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	šetak zadan	شتک‌زدن	.۱۲۰
	šodan	شدن	.۱۲۱
ناراحت کردن، عصبانی کردن، بور کردن	šekār kardan	شکار کردن	.۱۲۲
	šekāndan	شکاندن	.۱۲۳
	šekaste šodan	شکسته شدن	.۱۲۴
	šekam dādan	شکم دادن	.۱۲۵
	šolkardan	شل کردن	.۱۲۶
	šoluq kardan	شلوغ کردن	.۱۲۷
	šir šodan	شیر شدن	.۱۲۸
	sāf kardan	صاف کردن	.۱۲۹
	sedā kardan	صدا کردن	.۱۳۰
	zabt kardan	ضبط کردن	.۱۳۱
	zaʔf kardan	ضعف کردن	.۱۳۲
	tey kardan	طی کردن	.۱۳۳
	ʔar-zadan	عرزدن	.۱۳۴
	ʔezz o jez kardan	عزجز کردن	.۱۳۵
	ʔezz o čezz kardan	عزوچز کردن	.۱۳۶
	omri šodan	عمری شدن	.۱۳۷
	qār qār kardan	غار غار کردن	.۱۳۸
	qāz čerāndan	غاز چراندن	.۱۳۹
	qor zadan	غرزدن	.۱۴۰
	qalabe kan šodan	غلبه کن شدن	.۱۴۱
	qelxordan	غل خوردن	.۱۴۲
	qel dādan	غل دادن	.۱۴۳
	qolzadan	غل زدن	.۱۴۴
	qelefti zadan	غلفتی زدن	.۱۴۵
	qelefti kardan	غلفتی کردن	.۱۴۶
	quzak kardan	غوزک کردن	.۱۴۷

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	qeyb zadan	غیب‌زدن	۱۴۸
	qiya(-e) ka(-e)šidan	غیه‌کشیدن	۱۴۹
	fātehe xāndan	فاتحه‌خواندن	۱۵۰
	fer xodan	فرخوردن	۱۵۱
	forsat kardan	فرصت‌کردن	۱۵۲
	fes fes kardan	فس‌فس‌کردن	۱۵۳
	fenn o fenn kardan	فن‌وفن‌کردن	۱۵۴
	fis kardan	فیس‌کردن	۱۵۵
	fin fin kardan	فین‌فین‌کردن	۱۵۶
	fin kardan	فین‌کردن	۱۵۷
	qāb zadan	قاب‌زدن	۱۵۸
	qātoq kardan	قاتق‌کردن	۱۵۹
	qāšoq zadan	قاشق‌زدن	۱۶۰
	qāl čāq šodan	قال‌چاق‌شدن	۱۶۱
	qāl čāq kardan	قال‌چاق‌کردن	۱۶۲
	qāl o maqāl kardan	قال‌ومقال‌کردن	۱۶۳
	qāyem šodan	قایم‌شدن	۱۶۴
	qāyem kardan	قایم‌کردن	۱۶۵
	qopī-?āmadan	قپی‌آمدن	۱۶۶
	qel xordan	قل‌خوردن	۱۶۷
	qalamduš kardan	قلمدوش‌کردن	۱۶۸
	qolonbe parāni kardan	قلنبه‌پرانی‌کردن	۱۶۹
	qurt dādan	قورت‌دادن	۱۷۰
	ka?s kardan	کأس‌کردن	۱۷۱
	kabāb kardan	کباب‌کردن	۱۷۲
	kabbade kešidan	کباده‌کشیدن	۱۷۳
	kap ?āmadan	کپ‌آمدن	۱۷۴
	kappe kardan	کپه‌کردن	۱۷۵

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	ʔal-kardan	ال کردن	.۱۷۶
	kor kori xāndan	کرکری خواندن	.۱۷۷
	korok šodan	کرک شدن	.۱۷۸
	kerr o kerr kardan	کروکر کردن	.۱۷۹
	kez dādan	کز دادن	.۱۸۰
	kez kardan	کز کردن	.۱۸۱
	kešāle kardan	کشاله کردن	.۱۸۲
	keš ʔāmadan	کش آمدن	.۱۸۳
	keš dādan	کش دادن	.۱۸۴
	kaf kardan	کف کردن	.۱۸۵
	kaflama(-e)-kardan	کفلمه کردن	.۱۸۶
	kalle pāče šodan	کله پاچه شدن	.۱۸۷
	kale pā šodan	کله پاشدن	.۱۸۸
	kale moʔalaq zadan	کله معلق زدن	.۱۸۹
	koliye šodan	کلیه شدن	.۱۹۰
	kenār ʔāmadan	کنار آمدن	.۱۹۱
	konde zadan	کنده زدن	.۱۹۲
صرف نظر کردن از ادامهٔ مرافعه و خصومت	kutāh ʔāmadan	کوتاه آمدن	.۱۹۳
صرف نظر از ادامهٔ مطلب و گفتگو	kutāh ʔāmadan	کوتاه آمدن	.۱۹۴
	kuče dādan	کوچه دادن	.۱۹۵
	kur xāndan	کور خواندن	.۱۹۶
	kursu zadan	کورسوزدن	.۱۹۷
	kurmāli kardan	کورمالی کردن	.۱۹۸
	kuk šodan	کوک شدن	.۱۹۹
	kuk kardan	کوک کردن	.۲۰۰
	kulāk kardan	کولاک کردن	.۲۰۱
	kul kardan	کول کردن	.۲۰۲
	kis xordan	کیس خوردن	.۲۰۳

۳۷ Studying the quality of colloquial infinitives ... بررسی چندوچون مصدرهای عامیانه...

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	kayf(keyf) bordan	کیف بردن	.۲۰۴
	gāraž zadan	گاراژ زدن	.۲۰۵
	gāv bani kardan	گاوبندی کردن	.۲۰۶
	gorāze kešidan	گرازه کشیدن	.۲۰۷
	gorbe raqsāndan	گره برقصاندن	.۲۰۸
	gorbe raqsāni karda kardan	گره برقصانی کردن	.۲۰۹
	gor zadan	گر زدن	.۲۱۰
	gorkešidan	گر کشیدن	.۲۱۱
آبی را ... گرم کردن با کسی: با او جماع کردن	garm kardan	گرم کردن	.۲۱۲
سر کسی را ... : او را مشغول ساختن	garm kardan	گرم کردن	.۲۱۳
	gerowkeši kardan	گروکشی کردن	.۲۱۴
	gaz kardan	گز کردن	.۲۱۵
	gez gez kardan	گزگز کردن	.۲۱۶
	gol kardan	گل کردن	.۲۱۷
	galu gir šodan	گلوگیر شدن	.۲۱۸
	golule pič kardan	گلوله پیچ کردن	.۲۱۹
	golule xordan	گلوله خوردن	.۲۲۰
	gom šodan	گم شدن	.۲۲۱
	gom o gur šodan	گم و گور شدن	.۲۲۲
	gom o gur kardan	گم و گور کردن	.۲۲۳
	guše zadan	گوشه زدن	.۲۲۴
	go gir šodan	گوگیر شدن	.۲۲۵
کاری را خراب کردن	goh zadan	گه زدن	.۲۲۶
بدنام کردن	goh zadan	گه زدن	.۲۲۷
	goh gir kardan	گه گیر کردن	.۲۲۸
	giž xordan	گیج خوردن	.۲۲۹

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	gij̄ gīj̄ xordan	گیج گیج خوردن	۲۳۰
	gir ?āmadan	گیر آمدن	۲۳۱
	gir ?āvardan	گیر آوردن	۲۳۲
	gir peydā kardan	گیر پیدا کردن	۲۳۳
	gir dādan	گیر دادن	۲۳۴
	gir kardan	گیر کردن	۲۳۵
	gir gir kardan	گیر گیر کردن	۲۳۶
	gis bāf kardan	گیس باف کردن	۲۳۷
	gili gili xordan	گیلی گیلی خوردن	۲۳۸
	lāp ?āmadan	لاپ آمدن	۲۳۹
	lāpušāni kardan	لاپوشانی کردن	۲۴۰
	lab terekāndan	لب ترکاندن	۲۴۱
	lat xordan	لت خوردن	۲۴۲
	lat o pār šodan	لت و پار شدن	۲۴۳
	lat o pār kardan	لت و پار کردن	۲۴۴
	lah lah zadan	لح لِح زدن	۲۴۵
	loxt šodan	لخت شدن	۲۴۶
	lert afkandan	لرت افکندن	۲۴۷
بر کسی عیب گرفتن	loqāz xāndan	لغاز خواندن	۲۴۸
به کنایه از کسی بد گفتن	loqāz xāndan	لغاز خواندن	۲۴۹
	loqoz xāndan	لغز خواندن	۲۵۰
	left dādan	لفت دادن	۲۵۱
	lef o lis kardan	لف و لیس کردن	۲۵۲
	laqāndan	لقانندن	۲۵۳
	laqānidan	لقانیدن	۲۵۴
	laq šodan	لق شدن	۲۵۵
	lak šodan	لک شدن	۲۵۶
	lak kardan	لک کردن	۲۵۷
	lok lok šodan	لک لک شدن	۲۵۸

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	lek lek kardan	لک‌لک کردن	.۲۵۹
	lek o lek kardan	لک‌ولک کردن	.۲۶۰
	lake zadan	لکه‌زدن	.۲۶۱
	lake kardan	لکه‌کردن	.۲۶۲
	lombāndan	لمباندن	.۲۶۳
	lombānidan	لمبانیدن	.۲۶۴
	lam dādan	لم‌دادن	.۲۶۵
	lam zadan	لم‌زدن	.۲۶۶
	lonbāndan	لن‌باندن	.۲۶۷
	lonbānidan	لن‌بانیدن	.۲۶۸
	londe dādan	لنده‌دادن	.۲۶۹
	londe zadan	لنده‌زدن	.۲۷۰
	lang kardan	لنگ‌کردن	.۲۷۱
	lang māndan	لنگ‌ماندن	.۲۷۲
	luče pič kardan	لوچه‌پیچ کردن	.۲۷۳
	law(low) vo lis zadan	لوولیس‌زدن	.۲۷۴
	lit šodan	لیت‌شدن	.۲۷۵
لیف‌زدن، دندان‌زدن پوست خریزه و مانند آن	lif kešīdan	لیف‌کشیدن	.۲۷۶
	ley ley zadan	لی‌لی‌زدن	.۲۷۷
	māč māli kardan	ماچ‌مالی کردن	.۲۷۸
منعقد کردن	māsāndan	ماساندن	.۲۷۹
کاری را سر و صورت‌دادن و به‌انجام‌رساندن	māsāndan	ماساندن	.۲۸۰
	mālāndan	مالاندن	.۲۸۱
	māye ?āmadan	مایه‌آمدن	.۲۸۲
	motehammel šodan	متحمل شدن	.۲۸۳
	močāle šodan	مچاله‌شدن	.۲۸۴
	močāle kardan	مچاله‌کردن	.۲۸۵

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	moč zadan	مچ زدن	.۲۸۶
	mačal kardan	مچل کردن	.۲۸۷
برای کسی یا چیزی: نهایت علاقه و اشتیاق به کسی داشتن	mordan	مردن	.۲۸۸
برای کسی یا چیزی: خواستار بسیار چیزی شدن و به آن نرسیدن	mordan	مردن	.۲۸۹
اگر بمیری... هرگز! به هیچ وجه	mordan	مردن	.۲۹۰
بمیرم: قربان بروم.	mordan	مردن	.۲۹۱
	marmar zadan	مرمر زدن	.۲۹۲
	mormor kardan	مرمر کردن	.۲۹۳
	merno kešidan	مرنو کشیدن	.۲۹۴
	mazze kardan	مزه کردن	.۲۹۵
	mazze mazze kardan	مزه مزه کردن	.۲۹۶
	mast kardan	مست کردن	.۲۹۷
	mes mes kardan	مس مس کردن	.۲۹۸
	ma'reke kardan	معرکه کردن	.۲۹۹
	moft zadan	مفت زدن	.۳۰۰
	mek zadan	مک زدن	.۳۰۱
واجب الحج گردیدن، پول دار شدن	makke'i šodan	مکه ای شدن	.۳۰۲
	magas parāndan	مگس پراندن	.۳۰۳
	meleč meleč kardan	ملج ملج کردن	.۳۰۴
	meloč meloč kardan	ملوچ ملوچ کردن	.۳۰۵
	mantar šodan	منتر شدن	.۳۰۶
	mantar kardan	منتر کردن	.۳۰۷
	meng meng kardan	منگ منگ کردن	.۳۰۸
	men men kardan	من من کردن	.۳۰۹
	menn o men kardan	من و من کردن	.۳۱۰
	mu zadan	موزدن	.۳۱۱

۴۱ Studying the quality of colloquial infinitives... بررسی چندوچون مصدرهای عامیانه...

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	mus mus kardan	موس موس کردن	.۳۱۲
	muš morde šodan	موش مرده شدن	.۳۱۳
	meydān dādan	میدان دادن	.۳۱۴
	mizān šodan	میزان شدن	.۳۱۵
	mek zadan	میک زدن	.۳۱۶
	nātelengi kardan	ناتلنگی کردن	.۳۱۷
	nājur šodan	ناجور شدن	.۳۱۸
	nājur gardidan (gaštan)	ناجور گردیدن (گشتن)	.۳۱۹
چیزی را به دو ناخن گرفتن	nāxonak zadan	ناخنک زدن	.۳۲۰
چیزی را خرده خرده برداشتن	nāxonak zadan	ناخنک زدن	.۳۲۱
برداشتن خوراکی های دکان و خوردن آنها بدون پرداخت وجه	nāxonak zadan	ناخنک زدن	.۳۲۲
	nāxonak kardan	ناخنک کردن	.۳۲۳
	nārāhat šodan	ناراحت شدن	.۳۲۴
	nārāhat kardan	ناراحت کردن	.۳۲۵
	nāro xordan	نارو خوردن	.۳۲۶
	nāro zadan	نارو زدن	.۳۲۷
	nāzeri xordan	ناظری خوردن	.۳۲۸
	nāzeri zadan	ناظری زدن	.۳۲۹
	nākār šodan	ناکار شدن	.۳۳۰
	nān boridan	نان بریدن	.۳۳۱
	nānājibi kardan	نانجیبی کردن	.۳۳۲
	nān kardan	نان کردن	.۳۳۳
	nājesi kardan	نجسی خوردن	.۳۳۴
	Nājušidan	نجوشیدن	.۳۳۵
تأسف خوردن برکاری که دیگری انجام داده باشد.	noč noč kardan	نچ نچ کردن	.۳۳۶
قبول نکردن، خرده گیری کردن	noč noč kardan	نچ نچ کردن	.۳۳۷

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	nahsi kardan	نحسی کردن	۳۳۸
	naxori kardan	نخوری کردن	۳۳۹
	nar o lās kardan	نرولاس کردن	۳۴۰
	nešān kardan	نشان کردن	۳۴۱
نم‌پس دادن، درز کردن خبر	nešast kardan	نشست کردن	۳۴۲
	notoq zadan	نطق زدن	۳۴۳
	notoq kešidan	نطق کشیدن	۳۴۴
	nezārat xordan	نظارت خوردن	۳۴۵
	nazar xordan	نظر خوردن	۳۴۶
	nazar kardan	نظر کردن	۳۴۷
	nazar karde šodan	نظر کرده شدن	۳۴۸
	neq zadan	نغ زدن	۳۴۹
	neq neq kardan	نغ نغ کردن	۳۵۰
	nafas keš dādan	نفس کش دادن	۳۵۱
	nefle šodan	نقله شدن	۳۵۲
از بین بردن و کشتن شخصی بر اثر بی‌مبالاتی	nefle kardan	نقله کردن	۳۵۳
ولخرجی کردن	nefle kardan	نقله کردن	۳۵۴
امساک در خرج و افراط و تفریط	nefle kardan	نقله کردن	۳۵۵
	nofus zadan	نفوس زدن	۳۵۶
جریمه پولی کردن کسی را	noqre dāq kardan	نقره داغ کردن	۳۵۷
باچ گرفتن، سرکیسه کردن	noqre dāq kardan	نقره داغ کردن	۳۵۸
	namak gir šodan	نمک گیر شدن	۳۵۹
	nahib dādan	نهیب دادن	۳۶۰
	nahib zadan	نهیب زدن	۳۶۱
مفقود شدن چیزی به‌طور ناگهانی	nist šodan	نیست شدن	۳۶۲
مردن کسی به‌طور ناگهانی	nist šodan	نیست شدن	۳۶۳
	vātaraqqīdan	واتر قیدن	۳۶۴
	vājār kardan	واجار کردن	۳۶۵

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
از حال چرت بیرون شدن	vā čortidan	واچرتیدن	۳۶۶
ناگهانی حیرت کردن	vā čortidan	واچرتیدن	۳۶۷
	vādang ?āva (o) rdan	وادنگ آوردن	۳۶۸
	vādang dar ?āvardan	وادنگ در آوردن	۳۶۹
	vādang kadan	وادنگ کردن	۳۷۰
	vār zadan	وارزدن	۳۷۱
	vā residan	وارسیدن	۳۷۲
	vārang zadan	وارنگ زدن	۳۷۳
	vāru zadan	واروزدن	۳۷۴
	vā sarangidan	واسرنگیدن	۳۷۵
	vāqelidan	واقلیدن	۳۷۶
	vāqul ?āvardan	واقول آوردن	۳۷۷
	vākandan	واکندن	۳۷۸
	vāgu kardan	واگو کردن	۳۷۹
	vā lamidan	والمیدن	۳۸۰
	vejin kardan	وجین کردن	۳۸۱
	vahšat kardan	وحشت کردن	۳۸۲
	varje varje kardan	ورجه ورجه کردن	۳۸۳
	varčosundan	ورچسوندن	۳۸۴
	varčosidan	ورچسیدن	۳۸۵
خشک شدن و جمع شدن، جوشیدن، نفخ کردن	verčelūzidan	ورچلوزیدن	۳۸۶
	var zadan	ورزدن	۳۸۷
	ver zadan	ورزدن	۳۸۸
	vorut kardan	وروت کردن	۳۸۹
	vas kešidan	وس کشیدن	۳۹۰
	vasle časbāndan	وصله چسباندن	۳۹۱
	vaq zadan	وق زدن	۳۹۲
	vel xarji kardan	ول خرجی کردن	۳۹۳

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	vel dādan	ول دادن	.۳۹۴
	veleš dādan	ولش دادن	.۳۹۵
آزادشدن، افتادن چیزی از دست	vel šodan	ول شدن	.۳۹۶
سقوط کسی یا چیزی	vel šodan	ول شدن	.۳۹۷
	velaš kardan	ولش کردن	.۳۹۸
	vel kardan	ول کردن	.۳۹۹
	vel gardi kardan	ولگردی کردن	.۴۰۰
مزخرف گفتن	vel guyi kardan	ول گویی کردن	.۴۰۱
هرزه بودن، ول بودن، سهل انگاری کردن	velengāri kardan	ولنگاری کردن	.۴۰۲
متفرق شدن و نقش بر زمین شدن	velo šodan	ولوشدن	.۴۰۳
	velo kardan	ولو کردن	.۴۰۴
	vali kardan	ولی کردن	.۴۰۵
	vang o vung kardan	ونگ(و)وونگ کردن	.۴۰۶
یواشکی چیزی را به کسی گفتن	veng zadan	ونگ زدن	.۴۰۷
با صدای آهسته و احیاناً تودماغی حرف زدن	veng zadan	ونگ زدن	.۴۰۸
بانگ زدن و دادو فریاد کردن	vang zadan	ونگ زدن	.۴۰۹
گریستن توأم با دادو فریاد	vang zadan	ونگ زدن	.۴۱۰
	vang vang zadan	ونگ وونگ زدن	.۴۱۱
	veng veng kardan	ونگ وونگ کردن	.۴۱۲
	vūž zadan	ووژ زدن	.۴۱۳
	vul xordan	وول خوردن	.۴۱۴
	vul zadan	وول زدن	.۴۱۵
	vul vul kardan	وول وول کردن	.۴۱۶
	viyār šodan	ویار شدن	.۴۱۷
	viyār kardan	ویار کردن	.۴۱۸
	hādo vādo kardan	هادو وادو کردن	.۴۱۹
	hār šodan	هار شدن	.۴۲۰

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	hār kadan	هار کردن	.۴۲۱
	hparu kardan	هپرو کردن	.۴۲۲
	hotak zadan	هتک زدن	.۴۲۳
	hert kardan	هرت کردن	.۴۲۴
	hort kešidan	هرت کشیدن	.۴۲۵
	hordūdkešidan	هردود کشیدن	.۴۲۶
روان کردن آب در زمین‌های لم‌بزرع	harz dādan	هرز دادن	.۴۲۷
هدر دادن	harz dādan	هرز دادن	.۴۲۸
	her zadan	هرز زدن	.۴۲۹
	harz šodan	هرز شدن	.۴۳۰
	harz kardan	هرز کردن	.۴۳۱
	harze ?āmadan	هرزه آمدن	.۴۳۲
	haras kardan	هرس کردن	.۴۳۳
	heram-kardan	هرم کردن	.۴۳۴
	hasband šodan	هسبند شدن	.۴۳۵
	hasband kardan	هسبند کردن	.۴۳۶
	hošdār kardan	هشدار کردن	.۴۳۷
	heq o meq kardan	هق و مق کردن	.۴۳۸
	hol dādan	هل دادن	.۴۳۹
	hale hule xordan	هله و هوله خوردن	.۴۴۰
	ham ?āmadan	هم آمدن	.۴۴۱
	hanāsa zadan	هناسه زدن	.۴۴۲
	hendel zadan	هندل زدن	.۴۴۳
	havā zadan	هوار زدن	.۴۴۴
	havār šodan	هوار شدن	.۴۴۵
	havā kardan	هوا کردن	.۴۴۶
	havāyi šodan	هوایی شدن	.۴۴۷
	how pičidan	هوپیچیدن	.۴۴۸

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	hurā kešidan	هوراکشیدن	.۴۴۹
	how zadan	هوزدن	.۴۵۰
	how šodan	هوشدن	.۴۵۱
	how kadan	هوکردن	.۴۵۲
	hol dādan	هول دادن	.۴۵۳
	howl zadan	هول زدن	.۴۵۴
	howl šodan	هول شدن	.۴۵۵
	yād kardan	یادکردن	.۴۵۶

Table 1. infinitives ending in “dan”

جدول ۲. مصدرهای عامیانه‌ای که با «ستن» پایان می‌یابند:

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	ristan	ریستن	.۱
	garden šekastan	گردن شکستن	.۲
شستمش و گذاشتمش کنار: جواب دندان شکن به او دادم.	šostan	شستن	.۳

Table 2. infinitives ending in “stan”

جدول ۳. مصدرهای عامیانه‌ای که با «داشتن» پایان می‌یابند:

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	ʔedrār dāstan	ادرارداشتن	.۱
	pārsang bardāstan	پارسنگ برداشتن	.۲
	par o pā dāstan	پروپاداشتن	.۳
	taxt gaštan	تخت گشتن	.۴
	jā dāstan	جاداشتن	.۵
	xoš dāstan	خوش داشتن	.۶
	del dāstan	دل داشتن	.۷
	ru dāstan	روداشتن	.۸
	sar be sar gozāstan	سربه سر گذاشتن	.۹
	sar o kār dāstan	سرو کار داشتن	.۱۰

۴۷ Studying the quality of colloquial infinitives... بررسی چندو چون مصدرهای عامیانه...

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	šekam dāštan	شکم‌داشتن	۱۱.
	širin kāštan	شیرین‌کاشتن	۱۲.
	safhe gozāštan	صفحه‌گذاشتن	۱۳.
	qāl gozāštan	غال‌گذاشتن	۱۴.
کسی را در قبول... یا کفالتی فریب‌دادن و خود ازمیانه‌جستن	qāl gozāštan	قال‌گذاشتن	۱۵.
سر کسی را...	qāl gozāštan	قال‌گذاشتن	۱۶.
	qāmiš gozāštan	قامیش‌گذاشتن	۱۷.
	kār gozāštan	کار‌گذاشتن	۱۸.
خوب ... خوب از عهده چیزی برآمدن	kāštan	کاشتن	۱۹.
کسی را در جایی... او را در جایی منتظر‌گذاشتن	kāštan	کاشتن	۲۰.
کاشته‌اند: هنگامی که کسی چیزی را طلب کند و نخواهند به او بدهند.	kāštan	کاشتن	۲۱.
	kappe gozāštan	کپه‌گذاشتن	۲۲.
	gāvbandi dāštan	گاوبندی‌داشتن	۲۳.
	gir dāštan	گیرداشتن	۲۴.
	lak bardāštan	لک‌بردداشتن	۲۵.
	lammāš gozāštan	لماش‌گذاشتن	۲۶.
	mahal gozāštan	محل‌گذاشتن	۲۷.
	našod nadāštan	نشدندداشتن	۲۸.
	nafaskeš gozāštan	نفس‌کش‌گذاشتن	۲۹.
کارهای زیرکانه و مکارانه کردن	naql dāštan	نقل‌داشتن	۳۰.
کسی که قابل نقل و گفتگو باشد.	naql dāštan	نقل‌داشتن	۳۱.
اهمیت‌داشتن	naql dāštan	نقل‌داشتن	۳۲.
نقلی ندارد: اهمیتی ندارد.	naql dāštan	نقل‌داشتن	۳۳.
	nemūd dāštan	نمودداشتن	۳۴.
موقتاً آرام‌شدن، موقتاً فاصله‌دادن در اجرای کار و امری	vā gozāštan	واگذاشتن	۳۵.
برداشتن، تحمل کردن	vardāštan	ورداشتن	۳۶.

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
فروردن چیزی در مقعد یا فرج	vardāštan	ورداشتن	۳۷
	vaq' gozārdan (gozāštan)	وقع گذاردن (گذاشتن)	۳۸
	vali dāštan	ولی داشتن	۳۹
	vir dāštan	ویر داشتن	۴۰
	ham gozāštan	هم گذاشتن	۴۱

Table 3. infinitives ending in "štan"

جدول ۴. مصدرهای عامیانه‌ای که به «فتن» پایان می‌یابند:

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	?ābe češm gereftan	آب چشم گرفتن	۱
	?āftābe gereftan	آفتابه گرفتن	۲
	bol gereftan	بل گرفتن	۳
	jā raftan	جارفتن	۴
	jer-gereftan	جر گرفتن	۵
	češmqorre raftan	چشم‌غره رفتن	۶
	da da raftan	ددرفتن	۷
از زیر چیزی شانه‌خالی کردن	dar raftan	دررفتن	۸
تراضی کردن در قیمت	dar raftan	دررفتن	۹
باهم قراردادن	dar raftan	دررفتن	۱۰
	darz gereftan	درز گرفتن	۱۱
	ričāl bāftan	ریچال بافتن	۱۲
	savāri gereftan	سواری گرفتن	۱۳
	za?f raftan	ضعف رفتن	۱۴
	tās gereftan	طاس گرفتن	۱۵
	tahārat gereftan	طهارت گرفتن	۱۶
	qiyāfe gereftan	قیافه گرفتن	۱۷
	qili vili raftan	قبیلی ویلی رفتن	۱۸
	kār raftan	کار رفتن	۱۹
	kešāle raftan	کشاله رفتن	۲۰
	keš raftan	کش رفتن	۲۱
	keš o qows raftan	کش و قوس رفتن	۲۲
	koloft goftan	کلفت گفتن	۲۳
	gor gereftan	گر گرفتن	۲۴

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	guš gereftan	گوش گرفتن	۲۵.
	go giĵe gereftan	گه گیجه گرفتن	۲۶.
	giĵ raftan	گیج رفتن	۲۷.
	lok raftan	لک رفتن	۲۸.
	lo raftan	لور رفتن	۲۹.
	liĉār goftan	لیچار گفتن	۳۰.
مالش رفتن دل کسی: احساس ضعف در اثر گرسنگی	māleš raftan	مالش رفتن	۳۱.
مالش دل کسی برای چیزی: بسیار مشتاق بودن	māleš raftan	مالش رفتن	۳۲.
	māye gereftan	مایه گرفتن	۳۳.
	matalak goftan	متلک گفتن	۳۴.
	meydān yāftan	میدان یافتن	۳۵.
	nāhesāb goftan	ناحساب گفتن	۳۶.
	nešgun gereftan	نشگون گرفتن	۳۷.
	nafas gereftan	نفس گرفتن	۳۸.
	navarad zadan	نوردزدن	۳۹.
	nišgun gereftan	نیشگون گرفتن	۴۰.
	vā sarang raftan	واسرنگ گرفتن	۴۱.
	var raftan	ور رفتن	۴۲.
	vel goftan	ول گفتن	۴۳.
	vir gereftan	ویر گرفتن	۴۴.
	harz raftan	هرز رفتن	۴۵.
	yād raftan	یاد رفتن	۴۶.
	yoxlā raftan	یخلارفتن	۴۷.
	yekke ziyād goftan	یکه زیاد گفتن	۴۸.

Table 4. infinitives ending in "ftan"

جدول ۵. مصدرهای عامیانه‌ای که با «یدن» پایان می‌یابند:

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	pāčidan	پاچیدن	۱.
	tamargidan	تمرگیدن	۲.

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	sābīdan	سابیدن	۳.
	sorfīdan	سرفیدن	۴.
	solfīdan	سلفیدن	۵.
	šangīdan	شنگیدن	۶.
	qaltīdan	غلتیدن	۷.
	keručīdan	کروچیدن	۸.
	gāyīdan	گاییدن	۹.
	lamīdan	لمیدن	۱۰.
	lūčīdan	لوچیدن	۱۱.
	lulīdan	لولیدن	۱۲.
بستن، منعقدشدن، سفت شدن	māsīdan	ماسیدن	۱۳.
ماسست شدن شیر	māsīdan	ماسیدن	۱۴.
صورت گرفتن، تحقق یافتن چیزی برای کسی	māsīdan	ماسیدن	۱۵.
	mālīdan	مالیدن	۱۶.
	našmīdan	نشمیدن	۱۷.

Table 5. infinitives ending in "idan"

جدول ۶. مصدرهای عامیانه‌ای که با «ودن» پایان می‌یابند::

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	pā pey budan	پایی بودن	۱.
	ʔox̄t budan	اخت بودن	۲.

Table 6. infinitives ending in "udan"

جدول ۷. مصدرهای عامیانه‌ای که با «ختن» پایان می‌یابند:

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	ʔang ʔandāxtan	انگ انداختن	۱.
	pošte guš ʔandāxtan	پشت گوش انداختن	۲.
	ʔer ʔandāxtan	جرانداختن	۳.
	dast ʔandāxtan	دست انداختن	۴.
	ru ʔandāxtan	روانداختن	۵.

۵۱ Studying the quality of colloquial infinitives... بررسی چندوچون مصدرهای عامیانه...

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	zabān rixtan	زبان ریختن	۶.
	qurt ?andāxtan	قورت انداختن	۷.
	gerye ?andāxtan	گریه انداختن	۸.
	gir ?andāxtan	گیر انداختن	۹.
	lert ?andāxtan	لرت انداختن	۱۰.
	lak ?andāxtan	لک انداختن	۱۱.
هیاهو کردن، لودادن	lo ?andāxtan	لوانداختن	۱۲.
	mofit bāxtan	مفت باختن	۱۳.
	vāj ?andāxtan	واج انداختن	۱۴.
منسوخ کردن، ازبین بردن	var ?andāxtan	ور انداختن	۱۵.
ایجاد شور و غوغا و سروصدا و جار و جنجال	velvele ?andāxtan	ولوله انداختن	۱۶.
آشوب برپا کردن	velvele ?andāxtan	ولوله انداختن	۱۷.
	havā ?andāxtan	هوا انداختن	۱۸.

Table 7. infinitives ending in "xtan"

جدول ۸. مصدرهای عامیانه‌ای که با «ادن» پایان می‌یابند:

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	damar ?oftādan	دمرافتادن	۱.
	telesm ?oftādan	طلسم افتادن	۲.
	gaĵ ?oftādan	گج افتادن	۳.
مانعی پیداشدن در کاری، ژولیده شدن	gerāta ?oftādan	گراته افتادن	۴.
	gerye ?oftādan	گریه افتادن	۵.
	guš vāstādan	گوش واستادن	۶.
	gir ?oftādan	گیر افتادن	۷.
لک آوردن	lak ?oftādan	لک افتادن	۸.
لک افتادن میوه: نرم و شیرین شدن نقطه‌ای از آن	lak ?oftādan	لک افتادن	۹.
	va ?istādan	وا ایستادن	۱۰.
	vāstādan	واستادن	۱۱.
منسوخ شدن، ازبین رفتن	var ?oftādan	ورافتادن	۱۲.

Description	Phonemic Transcription	Infinitives	No.
توضیحات	آوانگاری	مصدر	ردیف
	velvele ʔoftādan	ولوله‌افتادن	۱۳.

Table 8. infinitives ending in “ādan”

بحث و نتیجه‌گیری

نمودار ۱. فراوانی مصدرهای عامیانه فارسی با پسوندهای مختلف در فرهنگ معین

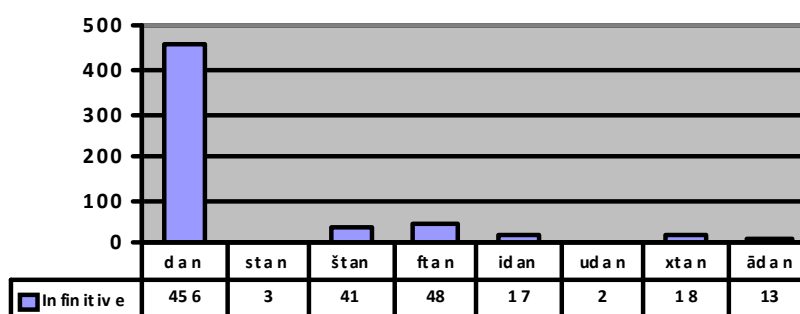


Chart 1. The frequency of colloquial infinitives in Mo'in Persian dictionary

در این پژوهش در مجموع تعداد ۵۹۸ مصدر عامیانه از فرهنگ لغت معین یافت شد که یافته‌های پژوهش نشان داد که مصدرهایی که به پسوند «دن» ختم می‌شوند، با تعداد ۴۵۶ مصدر بیش‌ترین سهم را در بین مصدرهای فارسی دارند. در مرحله بعد می‌توان به مصدرهای مختوم به «فتن»، «شتن»، «ختن»، «یدن» و «ادن» اشاره کرد. مصدرهایی که به «ودن» ختم شدن تنها دو مورد و به «ستن» تنها سه مورد یافت شد که به ترتیب کم‌ترین بسامد را در میان مصدرهای عامیانه فارسی دارند.

منابع و ارجاعات غیر انگلیسی زبان

- انوری، حسن و احمدی‌گیوی، حسن. (۱۳۶۷). دستور زبان فارسی، ج ۲، چ ۱، تهران: فاطمی.
- باطنی، محمدرضا. (۱۳۷۳). نگاهی تازه به دستور زبان فارسی، چ ۶، تهران: آگاه.
- جمال‌زاده، سیدمحمدعلی. (۱۳۸۲). فرهنگ لغات عامیانه، به کوشش محمدجعفر محجوب، تهران: سخن.
- سارلی، ناصرقلی. (۱۳۸۷). زبان فارسی معیار، تهران: هرمس.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۹۲). فعل و گروه فعلی و تحول آن در زبان فارسی، چ ۲، تهران: سروش.
- محجوب، محمدجعفر. (۱۳۸۷). ادبیات عامیانه‌ی ایران، جلد ۱ و ۲، چ ۴، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.
- معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی معین، جلد ۶، چ ۷، تهران: امیرکبیر.

References

- Anvari, H. and Ahmadi Givi, H. (1988). *dasture zabāne fārsi*. Vol. 2, 1st Edition, Tehran: Fatemi.
- Bateni, M. (1994). *negāhi tāze be dasture zabāne fārsi*. 6th Edition, Tehran: Agah.
- Farshidvard, Kh. (2013) *Verbs, Verbal Groups and Their Development in the Persian Language*, 2nd Edition, Tehran: Soroush.
- Jamalzade, S. M. (2003). *farhange loqate āmyāne*, by: M. Mahjoub, Tehran: sokhan.
- Mahjoub, M. (2008). *ādabiyyāte āmyāneye irān*, Vols. 2 & 3, 4th Edition, by: H. Zolfaqari, Tehran: Cheshmeh.
- Moin, M. (1985). *A Persian dictionary*, 7th Edition, Tehran: Amir Kabir.
- Sarli, N. (2008). *zabāne fārsiye me'yār*, Tehran: Hermes.

HOW TO CITE THIS ARTICLE

Shekoohi, P. (2017). Studying the quality of colloquial infinitives in Moin Persian dictionary. *Language Art*, 2(2):pp.27-54, Shiraz, Iran. [in Persian]

DOI: 10.22046/LA.2017.08

URL: <http://www.languageart.ir/index.php/LA/article/view/37>





ORIGINAL RESEARCH PAPER

Studying the Quality of Colloquial Infinitives in Moin Persian Dictionary

Parisa Shekoochi¹

MA of Persian language and Literature,
Islamic Azad university (branch Fasa), Iran.



(Received: 15 February 2017; Accepted: 19 April 2017)

Mohammad Moin has been considered as one of the most committed literary men of the present time who recorded a considerable amount of Persian words, expressions, and declarations in his own 6 volumes Persian dictionary according to scientific research methods and in a different way in comparison to the previous dictionaries. This article argues the quality of colloquial infinitives which have been recorded in Moin Persian Dictionary. The most important obstacles in all researches related to literature and colloquial language is the recognition criterion of "being colloquial". In this article, the recognition criterion is that of Moin's criterion who was a great master in this field. In the other words, any infinitives in front of which he put the abbreviation "?am" *, have been extracted and at the next stage, according to the syntactic resources, have been divided into 8 categories. Finally, the examples of each category have been presented through tables.

Keywords: Colloquial Infinitives, Moin Persian Dictionary, the Grammar of Persian Language.

* It is the abbreviation for "?āmyāne" which means colloquial.

¹ E-mail: parisa.shekoochi@yahoo.com